

باسمہ تعالیٰ



رہنما و سرارت تعلیمات
وزارت تعلیم و ارشاد اسلامی

کاربرگ طرحنامہ پژوهشی

(Proposal)

عنوان طرح: الزامات فرهنگی رشد جمعیت در دهه نود؛ مطالعه موردی فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی

ارائه‌دهنده: صغری صالحی

خلاصه طرح: در این پژوهش، با مطالعه موردی فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی تلاش می‌شود الزامات رشد فرهنگی رشد جمعیت در دهه نود تحلیل شود. علاوه بر این، تولیدات نمایشی و عملکرد تلویزیون در راستای الزامات فرهنگی رشد جمعیت بررسی و ارزیابی می‌شود.

تاریخ ارائه: ۱۴۰۰/۲/۱۵ **مدت اجرا:** ۱۲ ماه **بودجه پیشنهادی:** موظفی عضو هیات علمی

ویرایش اول ☐ **دوم:** ☒ **سوم:** ☐ **چهارم:** ☐

پژوهشکده: فرهنگ **گروه پژوهشی:** فرهنگ و جامعه

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری) سیاست فرهنگی در ایران

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری): نقد و ارزیابی عملکرد نهادهای حوزه

سیاست‌گذاری فرهنگی کشور

* نوع پژوهش: **بنیادی** ☐ **کاربردی** ☒ **توسعه‌ای** ☐

تکمیل توسط پژوهشکده

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می‌گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می‌شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه‌ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش‌ها و مکانیزم‌ها و محصولات منجر می‌شود.

۲. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق):

امروزه، برخی از کشورها با مسئله رشد منفی و کاهش جمعیت مواجه‌اند. محققان، برای سیر نزولی جمعیت و افزایش سالمندی، پیامدها و چالش‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مطرح کرده‌اند. بدین ترتیب، کاهش میزان باروری و معضلات ناشی از آن در کشورهای مختلف به دغدغه اساسی برای دولت‌ها و سیاستگذاران تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که برای مقابله با این پدیده و جلوگیری از آثار زیانبار کاهش جمعیت، سیاست‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند و مشوق‌های مالی و حمایتی را افزایش داده‌اند.

بنابر نظر کارشناسان، ایران نیز با مشکل کاهش میزان باروری و مسئله سالمندی جمعیت در آینده روبه‌رو است. نگاه به سیر تحولات جمعیت در ایران پسا انقلاب و سیاست‌های جمعیتی آن تامل برانگیز است؛ در دهه شصت، با تغییر بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور و متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت می‌گیرد و اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط نرخ رشد سالانه حدود ۳/۲ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش می‌کند؛ این بالاترین نرخ در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران اعلام می‌شود (برگرفته از حسینی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، مسئولان و سیاستگذاران در سال‌های پایانی دهه شصت، مجدداً سیاست کنترل موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را در اولویت قرار می‌دهند. در ابتدای دهه هفتاد، لایحه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از طرف دولت تهیه و به مجلس پیشنهاد می‌شود تا اینکه در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۶ تصویب می‌شود. طبق این قانون، انگیزه‌ها و پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پرجمعیت قطع می‌شود و مبانی قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های همه جانبه کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم می‌گردد. این تغییر رویکرد و فعالیت‌های صورت گرفته موجب می‌شود که در فاصله ده ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی به ۱/۹۶ درصد (۲/۹۵ در شهر و ۲۸٪ در روستا) تقلیل یابد (بنگرید به «سری‌های زمانی جمعیت» نقل از درگاه ملی مرکز آمار ایران به نشانی: www.Amar.org.ir).

روند کاهش متوسط نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی بسیار بیشتر و بارزتر از مناطق شهری نشان داده می‌شود که از دلایل آن مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها اعلام می‌شود. بدین ترتیب، هدفی که سیاستگذاران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نظر گرفته بودند بیش از یک دهه زودتر محقق می‌شود و ایران در رتبه نخست دستیابی به اهداف برنامه‌های کنترل جمعیت در جهان قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ کشوری در جهان نتوانسته بود در مدت زمانی به این کوتاهی به این میزان رشد جمعیت خود را کاهش دهد. گرچه در پیش گرفتن سیاست‌ها و اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده، عامل موثری در سرعت کاهش باروری و زاد و ولد در ایران بود، ولی این فرایند تحت تاثیر عوامل، شرایط و زمینه‌های مختلف دیگری نیز مانند فشارهای اقتصادی، هزینه پرورش فرزند و مهاجرت از روستا به شهرها قرار داشت که در تحلیل تغییرات کمی جمعیت باید به آنها توجه شود. علاوه براین، تغییرات فرهنگی اعم از هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی مدرن و نهادینه شدن مبانی فکری جدیدی همچون اصالت فرد و لذت‌گرایی را نباید نادیده گرفت که پذیرش آنها عملاً نهاد خانواده و مسئولیت‌پذیری برای فرزندآوری را تضعیف می‌کند. علاوه براین، باید تاثیر تغییرات فرهنگی را در بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تجرد و بالا رفتن سطح اشتغال زنان

نیز اضافه کرد که تاثیر بسزایی در کاهش باروری داشته است. همه این عوامل، موجب می شود کاهش رشد جمعیت در دهه بعد نیز به صورت پرشتابی ادامه یابد؛ تا جایی که میزان متوسط رشد جمعیت در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱/۶ درصد سقوط می کند. بدین ترتیب پس از گذشت دو دهه از اجرای موفقیت آمیز سیاست های تنظیم خانواده در ایران، کارشناسان مختلف در سال ۹۱، نرخ کاهش جمعیت و پایین بودن میزان زاد و ولد را نگران کننده اعلام می کنند. زنگ خطر کاهش جمعیت و پیری جمعیت در آینده، مسئولان را به تجدیدنظر در سیاست های جمعیتی کشور وا می دارد. در قدم اول، مسئولان نظام، اصلاح سیاست جمعیتی کشور را در دستور کار قرار می دهند؛ در این راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲ به تدوین سیاست جدید جمعیتی تحت عنوان «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور» اقدام می کند. در اجرای این مصوبه دستگاه ها و نهادهای مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، پژوهشی، امنیتی، بهداشتی و رسانه ای نقش های مختلفی برعهده می گیرند و موظف می شوند به فراخور مأموریت و حوزه کاری شان درباره مسئله جمعیت اقدامات لازم را انجام دهند.

در برنامه ششم توسعه نیز هدف گذاری برای افزایش میزان باروری کل به رقمی بالاتر از سطح جانشینی یعنی ۲/۲ فرزند مطرح می شود. در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ نیز سیاست های کلی جمعیت براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ می شود. در بند اول این سیاست ها نیز بر افزایش میزان باروری به سطحی بالاتر از سطح جانشینی تأکید می گردد. ایشان در سخنرانی هایشان نیز مدام گریزی به این مسئله زده و به ویژه در سال های اخیر، مکرراً بر افزایش جمعیت و مراقبت درباره تحدید نسل تأکید کرده اند. در سخنرانی نوروزی سال ۹۹ و سخنرانی اخیرشان با دانشجویان در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ بار دیگر به تحدید مولید و کمیاب شدن نسل جوان در آینده هشدار می دهند و حفظ جمعیت جوان کشور را یکی از ابزارهای قوت توصیف می کنند.

در طرح ها و سیاست های جمعیتی و تعالی خانواده، ابهامات بسیاری دیده می شود؛ از جمله اینکه به چه میزان به بُعد کیفی سیاست ها در کنار بُعد کمی آن توجه شده است؟ این سیاست ها چه تناقضاتی با سایر سیاست ها و برنامه های توسعه کشور دارد؟ با سیر تحولاتی پیش گفته شده در روند کاهشی و افزایشی جمعیت، آیا این سیاست ها کشور را به معضلات دیگری مواجه نمی کند و چقدر سنجیده و حساب شده، به همه جوانب آن توجه شده است؟ آیا صرف توجه به افزایش جمعیت و نرخ باروری، غفلت از سایر سیاست های کلان و نظام حقوقی را به دنبال ندارد؟ اولویت به نقش فرزندآوری زنان در تقابل با سایر فعالیت های اجتماعی، تحصیلی و اشتغال زنان قرار نمی گیرد؟ چقدر از مشوق های مادی، حمایتی، پاداش ها و امتیازات اداری و تحصیلی در حل این معضل راهگشاست؟ زیرساخت ها و زیربنای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی کشور تا چه اندازه توان اجرای سیاست های جمعیتی را دارد؟ مسئله مهاجرت جوانان چقدر در این مسئله دخیل است؟ با توجه به مشکلات اقتصادی، فرهنگی و تغییر نگرش ها، ارزش ها و سبک زندگی جامعه و متفاوت شدن الگوی ازدواج، چقدر این سیاست قابلیت اجرا دارد و به نتیجه مطلوب می رسد؟ این ابهامات و ده ها ابهام دیگر، پیچیدگی و آمیختگی سیاست های جمعیتی را با سیاست های دیگر نشان می دهد. علاوه بر این، حساسیت موضوع و دقت نظر در برنامه ریزی ها را عیان می کند. به نظر می رسد چند و چون دقیق سیاست های جمعیتی مشخص نیست؛ به ویژه به ابعاد فرهنگی آن توجه چندانی نمی شود. چنانچه اشاره گردید در سیاست های کاهشی جمعیت کشور، تغییرات فرهنگی جامعه، همسو و نتیجه بخش عمل می کند. به بیان دیگر، ماحصل تغییرات فرهنگی و سبک زندگی به تعداد کمتر فرزند منجر می شود. حال سیاست های افزایشی جمعیت با وضعیت فرهنگی روز جامعه چقدر متناسب و راهگشا خواهد بود؟ ولی مسئولان و کارشناسان این حوزه، برای حل معضل فرزندآوری و کاهش جمعیت در آینده،

بیشتر بر ضرورت «فرهنگ‌سازی» و «آگاهی‌بخشی» تأکید می‌کنند. طبیعتاً بخشی از ترویج و تبلیغ این سیاست‌ها به نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای مانند صدا و سیما محول می‌شود و انتظار می‌رود در راستای تحقق این اهداف گام بردارند. در بند ۱ ماده ۳ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ به نقش صدا و سیما برای تحقق سیاست‌های جمعیتی اشاره شده است؛ در این مصوبه، به تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی به‌ویژه صدا و سیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی تأکید شده است.

هدف این پژوهش، نقد و ارزیابی سیاست‌ها و عملکرد سیمای جمهوری اسلامی (تلویزیون) در خصوص سیاست‌های جمعیتی کشور در دهه نود است. در این باره، بیشتر بر سریال‌های تلویزیونی تمرکز می‌شود. با توجه به تعداد زیاد شبکه‌ها و سریال‌های تلویزیونی، بررسی همه سریال‌ها بیش از ظرفیت این پژوهش است و نیاز به زمان بیشتری دارد. علاوه بر این، قصد پژوهش، تحلیل نسبت میان سیاست‌های جمعیتی جاری با واقعیت‌های فرهنگی روز جامعه است و کمیت مطالعه موردی تحقیق موضوعیت چندانی ندارد و با چند نمونه از سریال‌ها، دستیابی به نسبت ذکر شده و تحلیل آن ممکن است. بنابراین، با معیار پُرمخاطب بودن و اقبال عمومی، پنج نمونه از سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی انتخاب و مسئله فرزندآوری و الزامات فرهنگی آن، نحوه بازنمایی خانواده‌ها، تعداد فرزندان و نگرش به مقولاتی مانند ازدواج، طلاق و... بررسی و تحلیل می‌شود. در در بحث عوامل و سیاست‌های مختلف نیز، بیشتر سیاست‌های فرهنگی مدنظر است. از این جهت به تلویزیون پرداخته می‌شود که به‌عنوان یکی از نهادهای مهم فرهنگی و رسانه‌ای کشور نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی دارد. ضمن اینکه بخشی از تغییرات فرهنگی؛ به‌ویژه در حوزه خانواده و سبک زندگی از طریق این رسانه و برنامه‌های نمایشی تبلیغ و ترویج می‌شود. سابق بر این، هم‌راستا با سیاست‌های کاهش جمعیت موفق عمل کرده و هم‌اکنون باید سیاست افزایشی را جایگزین کند. بدین ترتیب، در این پژوهش، نقش و عملکرد سیمای جمهوری اسلامی (تلویزیون) در خصوص الزامات فرهنگی فرزندآوری و افزایش جمعیت بررسی و ارزیابی می‌شود. معیار برای نقد نیز، تصویرسازی سریال‌ها و محتوای سیاست‌های جمعیتی کشور است. در بحث الزامات فرهنگی، مولفه‌هایی چون تغییر الگوهای ازدواج و بی‌رغبتی فرهنگی جوانان نسبت به ازدواج و عدم تمایل والدین نسبت به فرزندآوری، تغییر انگاره‌های ذهنی افراد و افزایش نگرش‌های فردگرایانه و لذت‌طلبانه، سویه‌های فرهنگی سبک زندگی مدرن و مصرف‌گرایی، میل روزافزون و روی آوردن زنان به انواع شغل‌ها و بی‌نیازی از حامی و... مورد نظر است.

سوال اصلی تحقیق:

الزامات فرهنگی رشد جمعیت چگونه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی بازنمایی شده است؟

سوال فرعی

بازنمایی سیاست‌های جمعیتی در سریال‌های تلویزیونی تا چه حد با وضعیت فرهنگی جامعه تناسب دارد؟

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

۳. اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق:

مسئله کاهش رشد جمعیت، معضل جدی کشور است. در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های جمعیتی قبل از اجرای هر سیاستی، باید همه عوامل اصلی کاهش رشد جمعیت در سال‌های اخیر و دلایل عدم تمایل جوانان به ازدواج و فرزندآوری بررسی شود تا بتوان متناسب با آن نسخه درخور پیچید. بخشی از این معضل و کاهش اقبال به فرزندآوری به عوامل و مسائل فرهنگی بازمی‌گردد؛ به‌ویژه در میان اقشار متوسط و بالاتر که تمایل به فرزندآوری بیشتر را نمی‌توان با مشوق‌های اقتصادی حل کرد؛ چرا که ذائقه، گرایش‌ها و ترجیحات فرهنگی و سبک زندگی آنها تغییر کرده است. بنابراین، بررسی الزامات فرهنگی رشد جمعیت اهمیت و ضرورت بسیار دارد تا بتوان براساس آن فرهنگ‌سازی کرد.

علاوه بر این، یکی از بازوان اصلی اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور، صدا و سیماست که نقش مهمی در آگاهی‌بخشی، پیام‌رسانی، ارائه و انتقال الگوهای فرهنگی دارد. از مهم‌ترین این حوزه‌ها نیز برنامه‌های نمایشی سیما (سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی) است که به‌طور مداوم از خانواده‌ها و سبک زندگی‌شان تصویرسازی می‌کند و مسائل و مشکلات آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. در حال حاضر، صدا و سیما وظیفه سنگین ایجاد گفتمان جدید جمعیتی و تغییر شعار و الگوی «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را بر عهده دارد که بخشی از تولید محتوا و اجرای این سیاست باید در قالب برنامه‌های نمایشی جذاب و مخاطب‌پسند ارائه و فرهنگ‌سازی شود. بنابراین، پرداختن به الزامات و وجوه فرهنگی رشد جمعیت و چگونگی بازتاب آن در سریال‌های نمایشی برای ارزیابی مسیر حرکت و توجه تلویزیون به عناصر فرهنگی سیاست‌های جمعیتی و چالش‌های برنامه‌سازی در این حوزه با توجه به وضعیت فرهنگی کشور و گسترش فضاهای مجازی و تولیدات ماهواره‌ای اهمیت و ضرورت دو چندان می‌یابد.

مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارت است از:

۱. تحلیل بازنمایی الزامات فرهنگی رشد جمعیت در سریال‌های تلویزیونی؛

۲. بررسی تناسب سیاست‌های جمعیتی با وضعیت فرهنگی جامعه در سریال‌های تلویزیونی؛

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

۴. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

مسئله جمعیت و سیاست‌های جمعیتی از ابعاد مختلف مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. ولی بیشتر به رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسئله توجه شده و پیامدها و عوارض اقتصادی و اجتماعی سالخورده‌گی جمعیت در کشور را بررسی کرده‌اند. برخی از پژوهش‌ها نیز به‌لحاظ آماری شاخص‌های جمعیتی را مطالعه نموده‌اند. به نقش عوامل و عناصر فرهنگی بر تحولات جمعیتی کمتر پرداخته شده است. آثار مربوط به بُعد فرهنگی مسئله نیز متغیرهای محدودی را صرفاً بر فرایند و تغییرات باروری کنکاش کرده‌اند؛ مانند مقاله «متغیرهای جمعیتی و فرهنگ»؛ تألیف محمد میرزایی (۱۳۷۵) که سه متغیر باروری، مرگ و میر و مهاجرت را در کاهش زاد و ولد بررسی کرده است. برخی دیگر از آثار، به‌طور خاص به عوامل فرهنگی و اجتماعی نوسازی پرداخته و تاثیرات آن را در تغییرات نهاد خانواده سنجیده‌اند؛ از جمله آنان می‌توان به پژوهش‌های «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»؛ (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۷۹)، «تغییرات سطح و روند ازدواج خویشاوندی»؛ (عباسی‌شوازی و ترابی، ۱۳۸۵)، «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»؛ (سرابی، ۱۳۸۵)؛ «سنت، نوسازی و خانواده؛ مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»؛ (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۶) اشاره کرد. این مطالعات با به‌کارگیری رویکردهای نظری و روش‌شناسی گوناگون، همگی بر این نکته تأکید می‌کنند که خانواده در دنیای مدرن تحت تاثیر فرایندهای نوسازی و تغییرات اجتماعی جدید، به‌لحاظ ساختاری و

کارکردی دگرگونی‌های گسترده و جدیدی را تجربه کرده است؛ فرایند این تغییر و تحولات با کاهش باروری و کوچک شدن بُعد خانوار همراه بوده است.

بدین ترتیب، بررسی و تحلیل الزامات فرهنگی رشد جمعیت مغفول مانده است و درباره بررسی و ارزیابی این مسئله در حوزه رسانه ملی و مورد خاص سریال‌های تلویزیونی پژوهشی انجام نشده است؛ مطالعات مربوط به سیاست‌های جمعیتی در صدا و سیما نیز به الزامات فرهنگی نپرداخته‌اند. در ذیل آثار و نمونه‌ای از پژوهش‌های انجام شده که تا حدودی مرتبط و نزدیک به موضوع هستند، معرفی می‌شود:

۱. کتاب «کاهش جمعیت، فاجعه تقلیل ازدواج و تحدید نسل»؛ علی معصومی (۱۳۹۶): این نوشتار، در دو بخش و هشت فصل به تبیین و تشریح مسائل «ضرورت، اهمیت و کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده، اصول ازدواج به سبک اسلامی، جمعیت و نقش آن در مشارکت عمومی و تقویت اقتدار ملی، تحولات تاریخی جمعیت ایران از دوران باستان تا پایان عصر قاجاریه، تحولات جمعیتی در دوره پهلوی اول و دوم، تلاش کانون‌های استعماری برای کاهش باروری و عقیم‌سازی در ایران، تحولات جمعیتی در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه جمعیتی رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران» پرداخته است.

۲. کتاب «رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله شناسی، راهبردها و سیاست‌ها»؛ (ابراهیم شفیعی سروسستانی، ۱۳۹۱): این نوشتار، شامل دو بخش است؛ در بخش اول، به کلیاتی در زمینه سیاست جمعیتی و هست‌ها و بایدهای مربوط به تدوین چنین سیاستی پرداخته شده و لزوم پایش مستمر تغییرات جمعیتی در یک جامعه به‌ویژه جامعه ایران بررسی شده است. در بخش دوم، به برخی از دیدگاه‌های رایج در خصوص مسائل جمعیتی در قالب گفتگو با صاحب‌نظران اشاره شده و راهکارهای ایجاد وفاق ملی و اجتماعی در زمینه افزایش زاد و ولد و نقس رسانه، روحانیت، خانواده و سایر ارگان‌های فرهنگی در این زمینه مطرح گردیده است.

۳. کتاب «تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها»؛ مرکز تحقیقات زن و خانواده (۱۳۹۲): این اثر در پنج بخش، به مباحث تحولات جمعیتی ایران، وضعیت کنونی ایران، تصویرسازی از آینده، رویکرد دین به موضوع جمعیت و ارائه راهبردها پرداخته است. در زیرمجموعه بخش‌های کتاب، مطالبی مانند آموزه‌های دینی درباره افزایش جمعیت، اصلاح نظام تربیت، اصلاح ساختارهای اقتصادی، اعمال سیاست‌های تشویقی، افزایش آگاهی‌ها و مهارت‌ها، تدوین الگوی واگذاری و بهره‌گیری از منابع و امکانات طبیعی مطرح شده است. در مجموع، این نوشتار ابتدا تلاش کرده گزارشی کوتاه از تحولات جمعیتی ایران و اقداماتی که دولت‌ها در زمینه مهار جمعیت انجام داده‌اند، ارائه دهد. سپس به عوامل و عناوین هم‌پسته با تحولات جمعیتی ایران، نگاهی گذرا شده و پس از تصویرسازی از آینده جمعیتی کشور و مناسبات خانوادگی وابسته به آن، راهکارهایی را پیشنهاد داده است.

۴. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد «بررسی شاخص‌های نظارت و ارزیابی برنامه‌های نمایشی سیما و ارائه شاخص مطلوب از دیدگاه کارشناسان»؛ ساره علیزاده (۱۳۹۱): این پژوهش از طریق مصاحبه با کارشناسان مدیران رسانه، شاخص‌های موجود نظارت و ارزیابی برنامه‌های نمایشی سیما را بررسی و واکاوی کرده و با استفاده از نظرات آنها، شاخص‌هایی را در حوزه نظارت و ارزیابی برنامه‌های نمایشی سیما ارائه داده و نتیجه گرفته است که برخی از بایدها و نبایدهای سازمان، خط و مشی‌هایی کلی و مبهم‌اند. ایشان، به محتوای برنامه‌های نمایشی در راستای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری نپرداخته است؛ بلکه دغدغه وی نظارت و ارزیابی به‌عنوان معیار رد یا قبول برنامه‌های نمایشی بوده و بازنگری و به‌روزرسانی شاخص‌های نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را از اقدامات مهم دانسته است.

۵. مقاله «بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تاکید بر نقش رسانه ملی»؛ ابراهیم شفیعی سروسستانی (۱۳۹۲): در این اثر، راهبردها و سیاست‌های صدا و سیما برای تغییر سیاست تحدید نسل و اجرای سیاست جدید افزایش جمعیت بررسی شده و مهم‌ترین بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی کارآمد در قالب شناسایی دقیق عوامل بحران جمعیتی،

ایجاد وفاق اجتماعی درباره سیاست جمعیتی، به کارگیری همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه، ارزیابی دقیق عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مسئول، پایش مستمر تغییرات جمعیتی و... مطرح شده است. پژوهش مذکور، نگاه کلی درباره سیاست‌های جمعیتی و نقش رسانه در اجرای این سیاست‌ها را ارائه می‌دهد. درباره برنامه‌های نمایشی نیز فقط به بیان دو نکته بسنده شده است که در مرحله اجرا و تولید برنامه نمی‌تواند راهگشای جدی باشد و فاقد الگوی محتوایی مطلوبی است که برای ساخت برنامه‌های نمایشی در اختیار نویسندگان و فیلم‌سازان قرار گیرد.

۶. مقاله «متغیرهای جمعیتی و فرهنگ»؛ محمد میرزایی (۱۳۷۵): این اثر، مقاله کوتاه ۸ صفحه‌ای است که سه جنبه مهم دموگرافیک؛ یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت را در کاهش زاد و ولد و کنترل موالید به تفکیک مورد بررسی قرار داده است.

۷. مقاله «سیاست‌گذاری تولید محصولات نمایشی در تلویزیون ایران با محوریت خانواده اسلامی»؛ محمدرضا تقی‌پور، محسن اسماعیلی و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۶): این اثر، سیاست‌های محتوایی نمایش مطلوب خانواده در محصولات نمایشی تلویزیون را بر مبنای سبک زندگی اسلامی بررسی کرده است. ابتدا الگوی جامع خانواده در اسلام در سه محور «دیدگاه‌های نظری اسلام درباره خانواده»، «راهکارهای عملی تحکیم خانواده» و «عوامل تزلزل خانواده» ارائه شده است. سپس با طرح سؤالاتی برآمده از الگوی احصائی در گام نخست، با استادان و کارشناسان ۴ حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری، خانواده و سبک زندگی اسلامی، تولید تلویزیونی و ارتباطات که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. نتیجه پژوهش در دو بخش ارزیابی کارشناسان از وضعیت کنونی نمایش خانواده در تلویزیون و سیاست‌های پیشنهادی برای بازنمایی خانواده ارائه شده است. سیاست‌های پیشنهادی نیز در دو بخش ارائه شده است؛ بخش نخست با عنوان «اهداف، محورها و اولویت‌ها» شامل ۷ مقوله «تشکیل خانواده و ازدواج»، «ترسیم جایگاه اعضای خانواده» «اقتصاد خانواده» «محیط مطلوب حاکم بر خانواده» «صله رحم» «وظایف اعضای خانواده» و «مقابله با عوامل تزلزل خانواده» و ۲۳ زیر مقوله است. بخش دوم نیز با عنوان «سیاست‌ها و ضوابط محتوایی» شامل ۳۵ گزاره محتوایی درباره بازنمایی مطلوب خانواده اسلامی در محصولات نمایشی است. این پژوهش، بر شیوه بازنمایی برنامه‌های نمایشی سیما از خانواده بر مبنای سبک زندگی اسلامی تمرکز دارد.

۸. مقاله «تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران؛ بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایران؛ امیر رستگارخالد و میثم، محمدی (۱۳۹۴): این پژوهش، رابطه تحولات فرهنگی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و مذهبی با تغییرات نرخ‌های باروری در مراکز استان‌های ایران سنجیده و بررسی کرده است. داده‌های مربوط به این تحولات فرهنگی از یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ استخراج شده است. برای دستیابی به نرخ‌های باروری عمومی در این سال نیز، میزان‌های باروری در سال ۱۳۷۵، بر اساس روش «فرزندان خود» به داده‌های استاندارد برای سال ۱۳۸۰ تبدیل شده است. روش تحقیق در این مطالعه همانطور که در عنوان مطرح شده، از نوع تحلیل ثانوی است. نتایج پژوهش رابطه معنادار بین متغیرهای فرهنگی (دینداری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی) با نرخ‌های باروری در مراکز استانی ایران نشان می‌دهد.

۹. مقاله «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسایل خانواده و ازدواج»؛ محمدامین قانع‌راد و فاطمه عزلتی‌مقدم (۱۳۸۹): این نوشتار، به تاثیر سیاست‌گذاری بخش عمومی در ایجاد و تداوم بحران خانواده و ازدواج پرداخته است. نوشتار مذکور، بحران خانواده را از دیدگاه مستعمره شدن زیست جهان خانواده توسط فرایندهای تصمیم‌گیری بخش عمومی بررسی کرده و با چنین چشم‌اندازی، مشکلات خانواده را تحلیل و رویکرد سیاستی جایگزین برای توانمندسازی خانواده ارائه داده است؛ در رویکرد جایگزین، مقولاتی مانند راهبردهای اجتماع محور، ایجاد توازن بین نقش‌های اجتماعات محلی، جامعه مدنی و دولت، کاربرد سازوکارهای فرهنگی، افزایش توانمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوانان، تقویت سرمایه اجتماعی خانواده‌ها، اتکا بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها، تقویت نقش و کارکرد

نهادهای سنتی در فرآیندهای همسریابی، همسرگزینی و ازدواج، حفظ تنوع فرهنگی و قومی ازدواج و عدم تزاخم مدیریت دولتی با بنیانهای فرهنگی و اجتماعی را مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، به جای نگاه حقوقی و ابزاری به خانواده و ازدواج بر سرشت فرهنگی و اجتماعی آنها تاکید کرده است.

۱۰. مقاله «تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاستهای جمعیتی در ایران»؛ محمدجلال عباسی شوازی و میمنت حسینی چاووشی (۱۳۹۰): در این اثر، تحولات باروری و سیاستهای جمعیتی و تنظیم خانواده با روش اسنادی تحلیل شده است. علاوه بر این، تحولات و عوامل موثر بر باروری مرور شده و به برخی از پیامدهای تحولات باروری و آینده آن در ایران اشاره گردیده و در پایان راهکارهایی مانند احیای شورای عالی جمعیت، تدوین سیاستهای جدید جمعیتی براساس نیازهای واقعی جمعیت و توسعه در کشور برای سیاستگذاری پیشنهاد شده است.

در مجموع، مطالعات انجام شده درباره مسئله کاهش جمعیت را می توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، مطالعاتی است که مسئله کاهش جمعیت را از وجوه دیگری غیر از نقش و سیاستهای صدا و سیما بررسی کرده اند؛ این مطالعات ارتباط مستقیمی با موضوع این پژوهش ندارند؛ آنها مسئله کاهش جمعیت را در نسبت با مسائلی مانند تقلیل ازدواج، ضرورت های تشکیل خانواده، تأثیرات دین، نبود الگوی اسلامی در حوزه خانواده و چالش های تحولات جمعیتی کشور در قیاس با تجربه کشورهای دیگر بررسی کرده اند. برخی مطالعات نیز به شیوه پیمایشی و آماری، صرفاً تغییرات نرخ باروری را در مراکز استانی سنجیده اند. دسته دوم، مطالعاتی است که به نقش رسانه ملی در سیاست های جمعیتی پرداخته اند و با موضوع این پژوهش ارتباط مستقیم تری دارند؛ این دسته از پژوهش ها نیز بر هست ها و باید ها و نبایدهای سیاست های جمعیتی متمرکز شده اند و بر وفاق ملی برای افزایش جمعیت تاکید کرده اند. برخی نیز به محتوای برنامه های نمایشی نپرداخته اند و فقط از شاخص های حوزه نظارتی برنامه ها و تغییر سیاست ها سخن گفته اند. بدین ترتیب، هیچ یک از این پژوهش ها، نه تنها نسبت میان الزامات و سیاست های فرهنگی رشد جمعیت را با واقعیت های فرهنگی روز جامعه بررسی و تحلیل نکرده اند، بلکه از این منظر به مطالعه موردی سریال های تلویزیونی نیز نپرداخته اند. این پژوهش، درصدد رفع این نقیصه است و تلاش می کند با توجه به محتوای سریال های تلویزیونی و سیاست های جمعیتی کشور، بازنمایی الزامات فرهنگی رشد جمعیت در سیمای جمهوری اسلامی (تلویزیون) را بررسی و ارزیابی کند.

۵. چهار چوب نظری، فرضیه ها یا ابعاد پژوهش:

در دهه ها و سال های اخیر در کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند ایران تغییراتی در میزان نرخ باروری و رشد جمعیت دیده می شود. نظریه پردازان تلاش کرده اند اُفت باروری و به تبع آن کاهش جمعیت را از جنبه های مختلف تبیین کنند. ابتدا نظریات اقتصادی و مادی برای تبیین پدیده مذکور شکل می گیرد؛ نظریه هایی که در آن ها بر هزینه فرزندان، اشتغال زنان و یا عوامل دیگری مانند افزایش تحصیلات افراد به عنوان دلایل مؤثر بر کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت تأکید می شود. نظریه اقتصادی نوکلاسیک، تأخیر در ازدواج، کاهش نسبت متأهلان و افزایش طلاق را بازتاب دهنده کاهش مزایای ازدواج برای زنان و افزایش هزینه فرصت والدین شدن برای شماری از زنان، در حال افزایش تحلیل می کند (بیکر، ۱۹۸۱). در اواخر قرن بیستم و پس از آن، نظریات اقتصادی در تبیین پایین آمدن نرخ باروری و کاهش منفی جمعیت، ناکارآمد تلقی می شوند و تحلیل های فرهنگی بیشتر مورد توجه قرار می گیرند که غالباً به کشورهای توسعه یافته مربوط است؛ زیرا مشاهده می شود: «در همین زمان این کشورها تغییرات فرهنگی عظیمی را تجربه کرده اند» (هارا، ۲۰۰۸: ۵۶). از دهه ۱۹۶۰ رفتارهای جدیدی، مانند فعالیت های جنسی در میان مجردان، هم خوابگی، تولدهای خارج از ازدواج، طلاق و عدم ازدواج مجدد و سقط جنین برای دوری از باروری ناخواسته، ابتدا در کشورهای اسکاندیناوی، و سپس در دیگر کشورهای اروپای غربی متداول می شود و پس از آن، بیشتر به کشورهای اروپای شرقی و جنوبی گسترش می یابد (اتوه، ۲۰۰۸: ۲). پرداختن به عوامل فرهنگی در تحلیل کاهش نرخ باروری و به تبع آن اُفت رشد جمعیت، بیشتر با کار «لستق» و «وندکا» با عنوان «نظریه گذار

دوم جمعیتی» آغاز می‌شود؛ آن‌ها این نظریه را به عنوان نتیجه الگوهای در حال تغییر شکل و ساختار خانواده مطرح می‌کنند که از تغییرات ارزشی در جوامع پست‌مدرن ناشی می‌شود. از نظر آنها، عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی را باید مانند عوامل اقتصادی در توضیح تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج، باروری و طلاق دخیل دانست؛ این تغییرات، تنها نتیجه تغییر در وضعیت اقتصادی و ساختار نهادی جامعه نیستند؛ بلکه از دگرگونی در روند ارزش‌ها و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرند (کالدول، ۲۰۰۸).

نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی که عوامل فرهنگی و هنجارهای نگرشی را در تبیین تغییرات باروری و رشد جمعیت موثر می‌دانند در قالب‌ها و دسته‌های گوناگونی مطرح شده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به نظریه‌های «ارتقای اجتماعی»، «انتقال جمعیتی» و «نوگرایی و نوسازی» اشاره کرد. نظریه ارتقای اجتماعی، میزان باروری هر خانواده و جامعه را وابسته بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنین آن مطرح می‌کند (نقیب‌السادات، درستی و خلیلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۶). نظریه انتقال جمعیتی نیز، بین میزان توسعه‌یافتگی و میزان باروری رابطه معنادار قائل است؛ طبق این نظریه، هر چقدر میزان توسعه‌یافتگی در منطقه و کشوری بیشتر باشد، انتظار می‌رود میزان باروری پایین‌تر باشد؛ زیرا فرایند گذار باروری از طریق دو عامل ماهیت فرهنگی (جنس زنانه و برابری طلبی جنسیتی در تحصیلات پسران و دختران) شدت بیشتری به خود گرفته است (کالدول، ۲۰۰۸: ۴۳۶). نظریه نوگرایی و نوسازی نیز سبک زندگی مدرن و نظام فکری وابسته به آن را موجب رشد تمایلات آینده‌نگرانه و مطالبه زندگی مرفه‌تر می‌داند که سبب کاهش توجه آنها به خانواده و فرزندآوری می‌شود. از دید نظریه‌پردازان آن، زندگی پرتنوع و پیچیده نوین موجب تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، ترجیحات و رفتارهای افراد شده است و حس رفاه‌جویی، مصرف‌گرایی و داشتن زندگی بهتر را در آنها تقویت کرده است. آنها معتقدند که فرایند نوسازی، تغییر جهت روانشناختی از تقدیرگرایی به احساس خودکنترلی امور، از جمله کنترل اندازه خانواده را موجب شده است (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۳).

در مجموع، این نظریه‌ها به فرهنگ و عوامل فرهنگی به عنوان عامل مهم و تاثیرگذار در میزان نرخ باروری و رشد جمعیت نگریسته‌اند؛ بدین معنا که تغییر در ساختار فرهنگی و فکری (باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها)، نرخ باروری و رشد جمعیت را دستخوش تغییر می‌کند. با توجه به اهمیت فرهنگ در تحولات جمعیتی، این پژوهش نیز در نظر دارد الزامات فرهنگی رشد جمعیت را در مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی بررسی کند. در چارچوب مفهومی پژوهش، ضمن توجه به کلیات ایده‌های فرهنگی پیش‌گفته شده در باب نرخ باروری و رشد جمعیت، به مفاهیم سیاست‌های جمعیتی ایران و تغییرات فرهنگی و نقش سیمای ملی توجه می‌شود؛ بدین معنا که امروز با دگرگونی‌های بینشی، تغییر ارزش‌ها و نظام‌های معنایی در الگوهای ازدواج، رفتارهای باروری، فرزندآوری و تغییر ابعاد خانواده مواجه‌ایم. ذائقه‌ها، سلیق و نگرش‌های طبقه متوسط نیز تغییر کرده است. بسیاری از تغییرات فرهنگی در جامعه مورد پذیرش قرار گرفته و مسائلی مانند تجرد و تنه‌ازیستی دختران یا پسران، ازدواج در سنین بالا و مواردی از این دست مثل سابق منفور نیست. بدین ترتیب، در چارچوب مفهومی پژوهش، تناسب سیاست‌های افزایشی جمعیتی کشور با زمینه‌های فرهنگی مدنظر است. به عبارتی، سیاست‌های جمعیتی قرار است در چه زمینه فرهنگی شکل بگیرد؟ چگونه تحول فرهنگی جامعه ایران خود را بر سیاست‌های فرهنگی تحمیل می‌کند یا این سیاست‌ها را خنثی می‌کند و یا پیش می‌برد؟ با توجه به این چارچوب، نقش مداخله سیمای ملی به عنوان رسانه فرهنگ‌ساز، بررسی می‌شود و اینکه چگونه می‌تواند متناسب با سیاست‌های جمعیتی و اقتضات فرهنگی جامعه موثر واقع شود؟

در تحلیل‌های فرهنگی جمعیت، طیف وسیعی از عناصر فرهنگی مانند ارزش‌های خانوادگی، دین و مذهب، نوع آداب و رسوم، سنت‌های قومی، فرهنگ بومی، الگوهای زیستی، اقتضات محیطی و... مطرح است. در مفهوم‌سازی این پژوهش از الزامات فرهنگی، به مولفه‌هایی مانند نگرش‌های فرهنگی افراد و خانواده‌ها در زمینه‌هایی چون تشکیل خانواده، فرزندآوری، نقش مادری، کار خانگی، مدیریت بدن، سبک زندگی مدرن و نگرش‌ها و ارزش‌های حاصل از آن مانند تجردزیستی، فردگرایی، لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی توجه می‌شود.

فرضیه پژوهش: این پژوهش فاقد فرضیه است.

ابعاد پژوهش: در این پژوهش نظام معنایی و مفاهیم سیاست‌های جمعیتی و الزامات فرهنگی رشد جمعیت در دهه نود با مطالعه موردی پنج نمونه از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی پرمخاطب بررسی می‌شود.

۶. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

۱. سیاست‌های جمعیتی

دربارهٔ سیاست جمعیتی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. در معنای محدود، سیاست جمعیتی را شامل تمام قوانین، مقررات و برنامه‌های دولتی می‌دانند که به تأثیر بر اندازه، رشد، توزیع و ترکیب جمعیت معطوف است (لوکاس و میر، ۱۳۸۱). ولی مسایل جمعیتی تنها محدود به باروری بالا یا پایین و رشد کم یا زیاد جمعیت نیست؛ بلکه کل مسائل و امور جمعیتی را در برمی‌گیرد و مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای است که در ارتباط متقابل با سایر امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع قرار داشته و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند. در گذشته، سیاست‌های جمعیتی، به تنظیم قوانین و مقرراتی برای افزایش یا کاهش جمعیت محدود می‌شد، ولی امروزه در معنای گسترده‌تری به کار می‌رود و همهٔ ابعاد و جنبه‌های جمعیت را در برمی‌گیرد (زنجان و دیگران ۱۳۷۸). بدین ترتیب، سیاست‌های جمعیتی لزوماً در راستای تنظیم خانواده یا کنترل موالید نیست و دارای مفهوم وسیع‌تری است که برنامهٔ تنظیم خانواده و کنترل موالید، بخشی از آن را شکل می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). سیاست‌های جمعیتی دارای هدف‌های کلی‌تری است و می‌کوشد از راه ایجاد تعادل میان عوامل جمعیتی از یک سو و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، امکانات و رفاه بیش‌تر را برای افراد جامعه فراهم آورد. براین اساس، برخی از صاحب‌نظران معتقدند سیاست‌های جمعیتی نباید تنها بر باروری و تعیین‌کننده‌های آن موثر واقع شود، بلکه باید از حوزهٔ باروری و تنظیم خانواده فراتر رود و تمامی رفتارهای اجتماعی و انسانی را که بر متغیرهای جمعیتی تأثیر می‌گذارند، دربرگیرد. بر مبنای این دغدغه، سیاست جمعیتی چنین تعریف می‌شود: «هر خط‌مشی و سیاستی که به‌نحوی از انحاء و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر ویژگی‌های کمی و حتی کیفی جمعیت تأثیر بگذارد، می‌توان سیاست جمعیتی نامید» (زنجان و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۱۲). در این تعریف، ابعاد کمی و کیفی تدابیر و سیاست‌های جمعیتی در نظر گرفته شده و هدف سیاست جمعیتی نیز «ارتقای شرایط زیستی، بهبود کیفیت زندگی همهٔ مردم و آماده‌ساختن آنان برای ایفای نقشی فعال و سازنده در فرآیند توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی کشور» (همان: ۱۱۳) مطرح گردیده است. در تدابیر کمی جمعیت نیز از دو رویکرد افزایشی و کاهش‌ی بحث می‌شود. علاوه بر این‌ها، سیاست‌های توزیع جمعیت، سیاست‌های مهاجرتی و خط‌مشی‌هایی که در جهت بهبود کیفیت جمعیت‌هاست، در زمرهٔ سیاست‌های جمعیتی به‌شمار می‌آیند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳: ۱۴)، سیاست‌های جمعیتی را مجموعه اصول، تدابیر و تصمیم‌های مدون جمعیتی می‌داند که از سوی دولت برای هماهنگ ساختن ارکان، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و مقررات و نظامات آنها اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های دولت را در ارتباط با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی را به‌دنبال دارند، تعیین می‌کند؛ در واقع، هدف سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌ریزی برای تأثیرگذاری در تغییرات جمعیتی و حفظ تعادل ساختار کلی جمعیت است.

در تعبیر دیگر، اساسی‌ترین هدف سیاست‌های جمعیتی، به‌روزی جمعیت و حل مسائل جمعیتی عنوان می‌شود و مسائل جمعیتی، به آن دسته از امور جمعیتی اطلاق می‌شود که از حالت تعادل و هماهنگی با امور دیگر مجموعه خود خارج شده‌اند. به بیان دیگر، وقتی پدیده‌ای جمعیتی که واقعیتی به‌نجار است، به‌صورت معضل و مشکل درآید، به مسئله جمعیتی تبدیل می‌شود. از این‌رو، مسائل جمعیتی، مجموعه امور جمعیتی پیچیده و ناهمسان هستند که برای حل آن‌ها باید تدابیری اندیشیده شود. این تدابیر، همان سیاست‌های جمعیتی‌اند (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

در این پژوهش، سیاست‌های رشد جمعیت و الزامات فرهنگی آن مدنظر است.

۲. سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری را به معنای «هرآنچه که حکومت تصمیم به انجام یا عدم انجام آن می‌گیرد» (دی^۱، ۲۰۰۵: ۱). تعریف کرده‌اند. سیاست‌گذاری فرهنگی را نیز به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف دانسته‌اند؛ چنین اراده‌ای، مطابق تعریف سیاست‌گذاری، می‌تواند ایجابی یا سلبی باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). در واقع از این تعریف می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هرگاه مسائل عمومی ناظر به بخش فرهنگ باشد و متولیان امر در پی پاسخ به مشکلات عمومی فرهنگی برآیند، سیاست‌گذاری فرهنگی شکل می‌گیرد. در تعبیر دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول، راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی غلبه دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل‌سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را شامل می‌شود (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۹).

در اصول سیاست فرهنگی کشور (۱۳۷۱: ۲)، سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق‌نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی تعریف شده که راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود.

به‌تعبیر عادل^۲ (۱۳۸۹)، سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان همان توافق رسمی و اتفاق‌نظر مسوولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعاية در حرکت فرهنگی دانست. یا با تعریف پهلوان^۳ (۱۳۸۲)، سیاست فرهنگی را مجموعه پیچیده‌ای از فعالیت‌های گوناگون به‌شمار آورد که به‌گونه‌ای ارگانیک و نظام‌مند و در یک ساختار پیچیده با هم در ارتباطند.

از دید آگوستین ژیرار^۲، سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از اهداف غایی، عملی و ابزاری است که توسط گروهی دنبال می‌شود و قدرتی آن را به‌کار می‌برد. به‌نظر او، سیاست‌های فرهنگی را می‌توان در یک اتحادیه صنفی، یک حزب، یک نهضت آموزشی، یک نهاد و یک موسسه، یک شهر و یا یک حکومت مشاهده کرد، ولی صرف‌نظر از این که کارگزار یا عامل آن چه کسی باشد، مستلزم وجود اهداف غایی بلندمدت، اهداف کوتاه‌مدت و قابل‌سنجش و ابزارهایی همچون نیروی انسانی، منابع مالی و قانونی است که در مجموعه کاملاً منسجمی تدوین شده باشد (ژیرار، ۱۳۷۲: ۱۷۲-۱۷۱).

«نش^۳»، نگاه متفاوتی به سیاست‌گذاری فرهنگی دارد و معتقد است اصطلاح سیاست فرهنگی حداقل به چهار شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد: ۱. سیاست بازنمودهای فرهنگی: برای مثال استوارت هال آن را گذار از سیاست «روابط بازنمودها» به سیاست خودبازنمودها می‌داند. ۲. سیاست «تولید فرهنگی» یا به‌عبارتی دیگر سازمان یافتن، ارتقاء یا سرکوب تولید فرهنگی از طریق آموزش، رسانه‌های همگانی و سیاست تجاری^۳. سیاستی معطوف به اینکه چه چیزی به‌عنوان فرهنگ شناخته شده و چه کسی از تولید آن محروم و به حاشیه رانده شده است. ۴. سیاست کردارهای دلالت‌گرا که از طریق آنها هویت‌ها، روابط و قواعد اجتماعی به چالش کشیده می‌شوند، برانداخته می‌شوند یا ممکن است دگرگون گردند (نش، ۱۳۸۰: ۳۱۷).

^۱. Dye

^۲. Augustin, Girard

^۳. Nash

برداشت دایانا کرین از سیاست‌گذاری فرهنگی با موضوع این پژوهش، تطابق بیشتری دارد. او، در کتاب «جهانی شدن»، اساساً سیاست فرهنگی را با سیاست رسانه و ارتباطات یکسان می‌داند. برخی مانند مک‌گویگان^۱ نیز، سیاست فرهنگی را با سیاست هنر یکسان قلمداد می‌کند؛ زیرا موضوعات سیاست هنر معطوف به امور زیبایی‌شناختی، امور احساسی، ذائقه و ارزش نمادین است (مک‌گویگان، ۱۳۸۸).

در این پژوهش، مباحث مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی، بیشتر معطوف به الزامات و جنبه‌های فرهنگی سیاست‌های جمعیتی کشور است. بدین معنا که در سیاست‌های رشد جمعیت باید به جنبه‌ها و فضای فرهنگی جامعه توجه شود تا مدیران را از خلط سیاست فرهنگی که با اهداف کلان آرمانی که با ابهام و کلی‌گویی آمیخته شده‌اند و گاه به‌صورت غیر موجه سیاست فرهنگی خوانده می‌شوند، باز دارد.

۳. سریال‌های تلویزیونی

سریال‌های تلویزیونی، بخشی از برنامه‌های نمایشی صدا و سیما هستند که به‌صورت داستانی چند قسمتی، ایده یا موضوعی را با استفاده از عناصر خیالی یا واقعی، به شیوه‌های دراماتیک بیان می‌کنند. معمولاً مدت هر قسمت آن به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه است.

۷. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

سیاست‌گذاری فرهنگی، جمعیت

۸. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی):

نقطه تمرکز موضوعی: الزامات فرهنگی رشد جمعیت

نقطه تمرکز مکانی: ایران

نقطه تمرکز زمانی: دهه نود

۹. روش‌شناسی پژوهش:

۹-۱. روش تحقیق:

[☒ کیفی]

[☐ کمی]

[☐ تحلیلی]

[☐ توصیفی]

توضیح:

روش این مقاله، روش کیفی از نوع مطالعه موردی و تحلیل محتواست.

رویکرد کلی این تحقیق مطالعه موردی است. هدف از مطالعه موردی - که به روشی مهم در میان پژوهش‌های کیفی بدل شده - این است که با تمرکز بر یک نمونه خاص وجوه بیشتری از موضوع تحقیق به‌شکلی عمیق‌تر بررسی و آشکار شود (بلاگر، ۲۰۰۸: ۶۷-۶۹). مطالعه موردی این امکان را به محقق می‌دهد که از مجموعه‌ای از داده‌ها و تکنیک‌ها در پژوهش بهره جوید. در واقع، مطالعه موردی معمولاً یک رویکرد به‌شمار می‌آید که در آن از روش‌ها یا تکنیک‌های متنوعی می‌توان استفاده کرد.

¹. McGuigan

باید در نظر داشت که در شیوه مطالعه موردی، دیدگاه افراد و صاحب‌نظران روشی رایج است و در آن معمولاً تلاش می‌شود با مراجعه به مجموعه‌ای از آثار و مطالب و اسناد مرتبط با آن فرد خاص، روایتی از اندیشه وی بر ساخت شود. اساساً در این نوع از مطالعه موردی، هدف ارائه روایتی از نمونه مورد بررسی است (استالکر، ۲۰۱۰: ۵۹۴).

در این پژوهش، الزامات فرهنگی رشد جمعیت در مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی به‌عنوان نمونه‌ای مهم از حوزه‌های نمایشی صدا و سیما بررسی و تلاش می‌شود با مراجعه به سریال‌های تلویزیونی در دهه نود، روایتی از بازتاب الزامات فرهنگی رشد جمعیت در این تولیدات و به تبع آن اندیشه دست‌اندرکاران و برنامه‌سازان صدا و سیما در این خصوص بر ساخت شود.

این پژوهش، از روش تحلیل محتوا نیز بهره می‌گیرد. تحلیل محتوا، روشی است که نتایج معتبر و قابل تکرار را از داده‌ها و متون استخراج می‌کند و یک رویه نظام‌مند است که به‌واسطه آن مشخصات خاص پیام به‌طور واضح و دقیق بیان می‌شود. «هولستی»، تحلیل محتوا را فنی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق روش‌های عینی و منتظم، با حفظ ویژگی‌های شخصی پیام‌ها می‌داند. از نظر او، این تعریف، سه معیار را به هم پیوند می‌دهد: این که روش تحلیل محتوا باید عینی و منتظم باشد و اگر قرار است از بازیافت داده‌ها، فهرست‌بندی یا اقدام‌های مشابه متمایز شود، باید پشتوانه نظری داشته باشد (هولستی، ۱۳۷۳: ۳۸).

به بیان دیگر، تحلیل محتوا، روشی است که در آن، پژوهشگران به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسان‌ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک (نوشته و نانوشته) است، می‌پردازد. در واقع، پژوهشگران می‌توانند محتوای نامه‌ها، دفترهای خاطرات، مقاله‌ها، مجله‌ها، صورت‌جلسه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، اشعار، ترانه‌ها، نقاشی‌ها، فیلم‌ها، سخنرانی‌ها، قوانین و هر نوع متن و سند دیگری را تحلیل کنند. بدین ترتیب، تحلیل محتوا، هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد است، اما به‌جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش درباره آن، به ارتباطی که آنان به‌وجود آورده و پیام‌هایی را که رد و بدل کرده‌اند، توجه و آن را مورد پرسش و ارزیابی قرار می‌دهند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۹۱).

در این پژوهش، محتوای سریال‌های تلویزیونی و محتوا و اسناد سیاست‌های جمعیتی کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات:

شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی، کتابخانه‌ای و مشاهده پنج نمونه فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی پرمخاطب در دهه نود است.

کتابخانه‌ای ☒ مشاهده ☒ مصاحبه ☐ پرسشنامه ☐

سایر ☐ لطفاً ذکر شود.

۹-۳. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

۹-۴. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

۹-۵. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)

۹-۶. نمونه‌گیری: تمام شماری می‌شود ☐ انجام نمی‌گیرد ☐ انجام می‌گیرد ☐

۱۰. سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی):

فصل اول: کلیات پژوهش؛

فصل دوم: مبانی نظری؛

فصل سوم: یافته‌های پژوهش؛

فصل چهارم: نتیجه‌گیری؛

۱۱. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: حدود ۱۰۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای

۱۲. نتایج قابل انتظار از طرح:

۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع ☐
۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی ☐
۳. تهیه سند راهبردی ☐
۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد ☐
۵. تدوین طرح جامع ☐
۶. سایر موارد ذکر شود:

با توجه به چندوجهی بودن مسائل جمعیتی، پرداختن به این موضوعات، کاربردهای چندوجهی نیز دارد. موضوع خاص این پژوهش نیز دو بُعد را مورد توجه قرار داده و به‌نظر می‌رسد برای دو دسته از سیاست‌گذاران قابل استفاده باشد؛ یکی مسئله الزامات فرهنگی سیاست‌های جمعیتی است که سیاست‌گذاران جمعیتی در تدوین و اجرای سیاست‌های جمعیتی باید توجه و دقت نظر بیشتری به مقولات و وضعیت فرهنگی جامعه داشته باشند؛ زیرا که صرف یکسری شعارها و سیاست‌های مشوقی راهگشا نخواهد بود. از بُعد دیگر، تولیدات نمایشی تلویزیون در راستای الزامات فرهنگی رشد جمعیت بررسی و ارزیابی می‌شود که می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران و برنامه‌سازان صدا و سیما قرار گیرد و برای موضع انتقادی خانواده‌ها و مقاومت‌های فرهنگی آنها در برابر پیام‌ها و تبلیغات ازدیاد فرزند واقع‌بینانه‌تر نگاه کنند و راه‌حل بجویند.

۱۳. مهم‌ترین منابع و مآخذ فارسی و خارجی:

منابع زیر مربوط به مطالعات انجام شده‌ای است که نزدیک به موضوع هستند و در طرح‌نامه مورد استناد قرار گرفته‌اند. در طی انجام تحقیق، به منابع دیگری مراجعه و به لیست منابع اضافه خواهد شد.

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	آزادارمکی، تقی و همکاران	بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی		نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، ص ۳-۲۹			۱۳۷۹
۲	تقوی، نعمت‌الله	مبانی جمعیت‌شناسی			تبریز	جامعه پژوه و دانیال	۱۳۷۸

۱۳۹۶			زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱-۲۵		سیاست‌گذاری تولید محصولات نمایشی در تلویزیون ایران با محوریت خانواده اسلامی	تقوی‌پور، محمد رضا، اسماعیلی، محسن و صلواتیان، سیاوش	۳
۱۳۸۲	قطره	تهران			فرهنگ‌شناسی	پهلوان، چنگیز	۴
۱۳۸۸	موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری	تهران			فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو	جعفری، محمد تقی	۵
۱۳۹۰	انتشارات دانشگاه بر علی سینا	همدان			جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده	حسینی، حاتم	۶
۱۳۸۶			فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۴		دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی	خان‌محمدی، یوسف	۷
۱۳۹۴			جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره پیاپی (۵۸)، شماره دوم، صص ۱۸۰- ۱۵۹		تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران؛ بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایران	رستگار خالد، امیر و محمدی، میثم	۸
۱۳۷۸	بشری	تهران			جمعیت، توسعه و بهداشت باروری	زنجانی، حبیب‌الله، میرازی، محمد، مه‌ریار، امیر هوشنگ و شادپور، کامل	۹
۱۳۷۲	مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری	تهران		عبدالحمید زرین‌قلم، پروانه سپرده و علی هاشمی‌گیلانی	توسعه فرهنگی؛ تجارب و خط‌مشی‌ها	ژیرار، آگوستین	۱۰

۱۱	سرایی، حسن	تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران	نامه انجمن جمعیت‌شناس ی ایران، دوره ۱، شماره ۲، صص ۶۰- ۳۷			۱۳۸۵
۱۲	صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله	کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی	نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره جدید، شماره ۸			۱۳۷۵
۱۳	شفیعی‌سروستانی، ابراهیم	رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله شناسی، راهبردها و سیاست‌ها		تهران	مرکز پژوهش‌های صدا و سیما	۱۳۹۱
۱۴	شفیعی‌سروستانی، ابراهیم	بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تاکید بر نقش رسانه ملی	معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۹			۱۳۹۲
۱۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی	ساختار و روند جمعیتی ایران و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی	سیاست کلان، ش ۳			۱۳۹۳
۱۶	شورای عالی انقلاب فرهنگی	اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران		تهران	بیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۷۱
۱۷	فرهنگی، علی‌اکبر و نعمتی‌انارکی، داود	رسانه و خبر، برخی دیدگاه‌های غالب و انتقادی		تهران	دانشگاه صدا و سیما	۱۳۹۴
۱۸	قانع‌راد، محمدامین و عزلی مقدم، فاطمه	بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسایل خانواده و	مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱			۱۳۸۹

					ازدواج		
۱۳۸۵			نامه انجمن جمعیت شناس ی ایران، شماره ۲، صص ۸۸-۶۱.		سطح روند و الگوی خویشاوندی در ایران	عباسی شوازی، محمد جلال و ترابی، فاطمه	۱۹
۱۳۹۰			مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۵، شماره ۳		تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست های جمعیتی در ایران	عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی چاوشی، میمنت	۲۰
۱۳۸۹	گسترده				جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم	عادل، عبدالحمید	۲۱
۱۳۹۱	دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران				بررسی شاخص های نظارت و ارزیابی برنامه های نمایی سیما و ارائه شاخص مطلوب از دیدگاه کارشناسان	علیزاده، ساره	۲۲
۱۳۸۱	دانشگاه تهران	تهران		ترجمه حسین محمودیان	درآمدی بر مطالعات جمعیتی	لوکاس، دیوید و پاول میر	۲۳
۱۳۸۶			پژوهش زنان، دوره ۷ شماره ۴ صص ۹۳-۷۱		بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی بر خانواده؛ سنت نوسازی و خانواده؛ مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی	محمدپور، احمد و همکاران	۲۴
۱۳۹۲	مرکز تحقیقات زن و خانواده	قم			تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها	مرکز تحقیقات زن و خانواده	۲۵

۱۳۸۸	دانشگاه امام صادق (ع)	تهران		نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ	بازاندیشی در سیاست فرهنگی	مک‌گویگان، جیم	۲۶
۱۳۹۶	موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	تهران			کاهش جمعیت، فاجعه تقلیل ازدواج و تحدید نسل	معصومی، علی	۲۷
۱۳۷۵			نامه پژوهش تابستان پیش شماره ۱		تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران	میرزایی، محمد	۲۸
۱۳۸۰	انتشارات کویر	تهران		محمد تقی دلفروز	جامعه‌شناسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت،	نش، کیت	۲۹
۱۳۸۹			کتاب‌ماه علوم اجتماعی، ش ۳۶، صص ۱۳۳- ۱۲۲		بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی به نگرش زنان نسبت به باروری	نقیب‌السادات، سیدرضا، درستی، امیرعلی و خلیلی‌نژاد، سیده ساره	۳۰
۱۳۸۰	انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی	تهران		نادر سالارزاده امیری	تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی	هولستی، آل. آر	۳۱
۱۳۸۶			فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷ شماره ۳		بحثی در سیاست فرهنگی	وحید، مجید	۳۲
۲۰۰۸		New York	pp. 223 – 250. In: International Family Change: Ideational Perspectives		The Relevance of Ideational Changes to Family Transformation in Postwar Japan	Atoh, Makoto	۳۳
۲۰۰۸	The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods	London			Case Study, In Given, L.M(ed)	Blatter, K.J	۳۴
۱۹۸۱	Harvard University Press	Cambridge			A Treaties on the family	Becker, Gary S	۳۵

۱۶. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

ردیف	عنوان مرحله	شرح خدمات		پیش بینی زمان و درصد پیشرفت کار		درصد پرداخت	نحوه ارائه گزارش
				زمان لازم (روز)	درصد پیشرفت کار		
۱	صفر			۰	۰	۲۰*	بدون ارائه گزارش
۲	شرح خدمات گزارش های مراحل مختلف طبق نظر مجری (۸۰ درصد پیشرفت طرح)		فصل اول و دوم	۹۰	۳۰	۲۰	مکتوب
۳			فصل سوم	۱۲۰	۶۰	۲۰	مکتوب
۴			فصل چهارم	۹۰	۹۰	۲۰	مکتوب
۵	نهایی		ارائه گزارش نهایی	۶۰	۱۰۰	۲۰	مکتوب و فایل

* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.